بسیجی پیشکسوت

محمد محمدی، بسیجی پیشکسوت
در گفت‌وگو با «جوان»:

بسیجی با جانش انقلاب را بیمه می‌کند

در ستون چهارشنبه‌های پایداری، به معرفی پیشکسوتان بسیجی می‌پردازیم تا هم یادکردی از این همه سال مجاهدت داشته باشیم و هم تجربه‌ها و درس‌های سالیان سال فعالیت را ارائه دهیم. از این رو گفت‌وگویی کوتاه با محمد محمدی بسیجی پیشکسوت ترتیب دادیم که خواندنش خالی از لطف نیست.

برای شروع به عنوان یک پیشکسوت خودتان را معرفی کنید و از چگونگی پیوستن‌تان به بسیج بگویید.

محمد محمدی متولد سال ۱۳۳۴ شهرستان دشتستان (برازجان) هستم. بعد از پیروزی انقلاب شرایط کشور، یک شرایط به‌هم ریخته و بحرانی بود. طبیعتاً پیروزی انقلاب اسلامی همزمان بود با اوج جوانی ما و ۲۱سالگی حقیر. شور و نشاط جوانی و انرژی جوانی در جوانان آن زمان به اشکال گوناگون و راه‌های مختلف تخلیه می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب و شرایطی که عرض کردم یادم است هنوز بسیج مستضعفان تشکیل نشده بود که تعدادی بودیم در قالب گروه‌های مردمی به روستاها سرکشی می‌کردیم، مشکلات را می‌نوشتیم تا بتوانیم انتقال دهیم و یک سو کلاس هم برگزار می‌کردیم. بعد از تشکیل بسیج و سپاه پاسداران حقیر به اتفاق برادرم در سپاه مشغول فعالیت‌های فرهنگی شویم. قائله کردستان که راه افتاد؛ برادرم به کردستان رفت و ما هم در روستاها و مناطق اطراف مشغول برگزاری کلاس‌هایی چون اسلحه‌شناسی، آموزش رزم انفرادی و... بودیم. جنگ که شروع شد، نیاز مردم به این کلاس‌ها و آموزش‌ها بیشتر می‌شد و فقط بسیج بود که می‌توانست این نیازها را با قالب خاص خود تعریف و رفع کند. به محض تشکیل بسیج پایگاه بسیج والفجر را در روستای خودمان به نام قلعه‌سفید از توابع شهرستان دشتستان (برازجان) راه‌اندازی و افتتاح کردم و در قالب بسیج شروع به سازماندهی نیرو، آموزش و استفاده برای مأموریت‌های مختلف از نیروهای بسیجی کردم. پیوند خودمان به صورت رسمی به اینجا برمی‌گردد.

بعد از قریب به ۳۵ سال حضور در بسیج تعریفتان از بسیج و توصیه‌هایتان برای بسیجی نسل جدید چیست؟

در دوران دفاع مقدس ۴۹ ماه در منطقه حضور داشتم. در جوار فرماندهی چون سیدمجتبی هاشمی، احمد متوسلیان و... بودم. وقتی آن بسیجی‌ها را دیده‌ام، وقتی آن رفتارها را دیده‌ام، امروز شرمنده‌ام که خودم را بسیجی بنامم. امام گفت بسیج شجره طیبه است. بسیج یعنی همه انقلاب. بسیج باید همیشه در راه دفاع از انقلاب، پیشرفت انقلاب صعود قله‌های گوناگون اهداف انقلاب و ارزش‌ها پیشقدم باشد. اگر بسیج باشد و بسیجی‌ها مانند دوران دفاع مقدس باشند، همه چیز حل می‌شود و به هیچ‌کسی هیچ گزندی وارد نمی‌شود. بسیجی باید انقلاب و اسلام را با جان خویش بیمه کند. بسیجی‌های جوان و نسل‌های بعدی انقلاب هم باید بروند وصیتنامه شهدا، شهید همت، باکری، بروجردی، باقری، کاوه و... را بخوانند. نکته‌ای را که همه شهدا که بسیجی‌ترین و بهترین بسیجی‌ها بودند به اتفاق به آن اشاره کرده‌اند بحث ولایت است. بسیجی باید با ولایت حرکت کند، رشد کند، صعود کند، فتح کند. با جهاد و ایثار کند و در نهایت برای ولایت در راه خدا به شهادت برسد. سرمنزل همه مسائل ولایت است. اگر در راه ولایت باشیم کارنامه درخشانی چون دفاع مقدس را رقم می‌زنیم. اگر لحظه‌ای غفلت از ولایت کنیم، بدترین صدمات را متحمل می‌شویم. بسیجی سرباز جان بر کف ولایت است که در راه اعتلا و حفظ ارزش‌های اسلام و انقلاب از همه چیز خود حتی جانش می‌گذرد.

روایت‌های «قربانعلی لاردو» از اولین روزهای شروع جنگ و نقش نیروهای هلی‌برد در عملیات‌ها

هلی‌برد می‌توانست گره‌گشای «رمضان» باشد

■ آرمان شریف

آخرین روزهای شهریور در راه است و دوباره حال و هوای روزهای آغازین جنگ از راه می‌رسد. آخرین روز شهریور ماه که با آغاز هفته دفاع مقدس مصادف است، یادآور تهاجم ناجوانمردانه دشمن به خاکِ سرزمینی است که یک تنه در برابر دشمن متجاوز و جهان استکبار ایستاد. «قربانعلی لاردو» از زمان جنگ ساکن شهر آبادان بوده از نزدیک شاهد اتفاقات و تغییر و تحولات آن سال‌ها و روزها بوده و چهار مرتبه هم به جانبازی رسیده است. لاردو سابقه هشت سال حضور در جبهه‌ها را دارد و تجربیات و حرف‌های بسیاری از مسئولیت‌های متعددش مثل حضور در جمع نیروهای هلی‌برد را به همراه دارد. روایت‌های او را از اولین روزهای شروع جنگ و تأثیر نیروهای هلی‌برد در عملیات‌ها می‌خوانیم.

■■■

۰۱ از تشکیل دهندگان سپاه آبادان هستم. بعد از تشکیل سپاه تا قبل از شروع جنگ کارهای مربوط به برقراری امنیت در شهر و مبارزه با قاچاق و ستون پنجم را انجام می‌دادم. ده روز قبل از شروع رسمی جنگ و زمانی که جنگ هنوز به استان خوزستان نرسیده بود، استان‌های غربی کشور شاهد درگیری با دشمن بودند و بخشی از پاسگاه‌های مرزی استان ایلام تصرف شده بود. سپاه دزفول تقاضای کمک از سپاه آبادان می‌کند و یک گروه داوطلبانه به دزفول اعزام می‌شوند و آنجا خودشان را به سپاه ایلام معرفی می‌کنند. نیمی از گروه در دهلران می‌ماند و ما به مهران می‌رویم. البته ارتش در منطقه حضور داشت و کارهای خوبی هم انجام داده بود. منطقه آرام شد و دشمن عقب‌نشینی کرد.

بعد از آن خبر رسید قسمتی از پاسگاه منطقه تنگه بیجار تصرف شده است. ما را برای کمک به ارتش و بازپس‌گیری دشت بیجار خواستند. به منطقه که زیر بمباران قرار داشت، رفتیم و مستقر شدیم. بعد از آن برای عملیات آماده شدیم و شب حرکت کردیم. ولی یکی از مسئولان ارتش پیش ما آمد و گفت که عملیات لغو شده و وقتی دلیلش را پرسیدیم گفت ما پشتیبانی هوایی نداریم و فرودگاه مهرآباد را زده‌اند. عراق فرودگاه مهرآباد و پایگاه‌های هوایی را زده بود. ۳۱ شهریور ۵۹ بود و دیگر جنگ به طور رسمی آغاز شده بود.

۰۲ در ماه‌های اول جنگ آبادان هنوز به طور رسمی وارد جنگ نشده بود و ما هر روز از آبادان به سمت خرمشهر می‌رفتیم، آنجا تا غروب می‌جنگیدیم و دوباره برای استراحت به شهرمان برمی‌گشتیم. این روال حاکم در آن زمان بود. کسی در آن زمان به رزمندگان و مردم توصیه نکرده بود که باید شب در آن منطقه حضور داشته باشند و حالت دفاعی بگیرند ولی همه کاملاً خودجوش، آگاهانه و داوطلبانه برای دفاع از کشور بسیج شده بودند. تعداد زیادی از نیروهای سپاه خرمشهر شهید شده بودند و پراکندگی در نیروها ایجاد شده بود. بچه‌های سپاه خرمشهر به کوهدشت می‌رفتند و استراحت می‌کردند. همه مساجد شهر فعال شده بودند و چند پاسدار در یک مسجد بودند و آنجا مردم را سازماندهی می‌کردند.

از زمانی که من وارد منطقه خرمشهر شدم تا روزی که مجروح شدم دشمن به دلیل مقاومت رزمندگان دیگر نتوانسته بود یک متر از منطقه را تصرف کند. با اینکه سه بار یورش آورد ولی هر سه بار شکست خورد. یکی از آن بازها بیش از ۱۰۰ تانک جا گذاشت و فرار کرد. ما این ۱۰۰ تانک را غنیمت گرفتیم ولی یک نیروی نظامی گرفته نشد. چون ستون پنجم، دشمن راهنمایی می‌کردند و فراری می‌دادند. رزمندگان بارها مقاومت می‌کردند و از صبح تا غروب می‌جنگیدند. اما ستون پنجم و عناصر خائن، ارتش عراق را راهنمایی می‌کردند. نمونه‌اش را در غنیمت‌گیری ۱۰۰ تانک از دوربند تا داخل گمرک داشتیم. همه جا پر از تانک بود ولی یک نظامی و خدمه تانک اسیر نگرفتیم.

روزی در پشت مسجدی در دوربند قرار داشتیم. برای سرکشی و دیده‌بانی دشمن می‌رفتیم که ما را دیدند و دو گلوله خمپاره ۱۲۲ در نزدیکی ما زدند. ترکش‌های زیادی به سر و بدنم اصابت کرد.

۰۳ زمانی که مسئولیت عملیات سپاه آبادان را بر عهده داشتم جبهه‌های آبادان متزلزل بود. وقتی که متوجه شدیم بین نیروهای بومی و شهرستانی اختلاف هست از فرماندهی تقاضا کردم که خودم به جبهه بروم. وارد منطقه مدن شدم و ۲/۵ کیلومتر خط را به نزدیکی دشمن بردم. دشمن در جلو خاکریز داشت که دو کیلومتر از خاکریز اصلی به منطقه آبادان نزدیک بود و حالت دیده‌بانی جاده را داشت. این خاکریز حالت هوشیاری منطقه را به عهده داشت و باعث می‌شد دشمن زودتر از تغییر و تحولات خط آگاه شود. ما در جلوی دشمن و در فاصله ۳۰۰ متری‌شان خاکریز احداث کردیم و چشمشان را کور کردیم. چند عملیات در این منطقه انجام شد. وقتی آمدیم خاکریز را ادامه دهیم دشمن متوجه حضورمان شد و آتشی که روی دستگاه‌های لودر می‌ریخت خطا می‌رفت. ما به جای اینکه عقب‌تر برویم جلوتر می‌رفتیم. دستگاه ضبط صوت دستمان گرفته بودیم و صدای لودرها را ضبط می‌کردیم. بارها از این طریق و با صدای ضبط شده لودرها دشمن به هم می‌ریخت و شروع به شلیک و منور زدن می‌کرد. این روش خوبی برای جنگ روانی با دشمن بود.

۰۴ برای عملیات فتح‌المبین نیاز به نیروی هلی‌برد بود و داوطلبانه به ایستگاه شوش آمدیم. هلی‌کوپترها آمدند و به دلیل تاریکی هوا پرواز انجام نشد. بچه‌ها در مساجد اندیمشک استراحت کردند و فردا تا ظهر برنامه ردیف شد و به منطقه دال‌پری هلی‌برد شدیم و آنجا توانستیم به این یگان کمک کنیم و بچه‌ها را از محاصره خارج کرده و دشمن را به اسارت درآوریم. پدافندی مسئولیت منطقه را به عهده گرفتیم. دشمن اقدام به عملیات کرد. به علت استقرار خوب ما در منطقه بدون تلفات موفق شدیم. دشمن شش ساعت آتش مداوم روی ما ریخت، متوجه برنامه‌ریزی ما شد و عملیات انجام نداد و عقب‌نشینی کرد. این عقب‌نشینی به کل منطقه سرایت کرد و عملیات فتح‌المبین به پیروزی رسید.

۰۵ هلی‌برد تعاریف مختلفی دارد. پرش از چتر، بند یا طناب و فرود از هلی‌کوپتر و گسترش نیرو در یک منطقه را هلی‌برد می‌گویند. گاهی هم منطقه تامین است و نیروها در پایگاه می‌مانند تا بموقع وارد عمل شوند. گاهی هم همزمان که پیاده می‌شوند وارد عمل می‌شوند. برنامه‌مان طوری بود که همه امکاناتمان را برای رزم بیش از ۴۸ ساعت همراه داشتیم. لندکروز و تعداد زیادی مهمات را با هلی‌کوپتر می‌آوردیم.

آموزش‌های ما فیلم‌های سینمایی و حرف‌های دوستان بود. دو سال سربازی در پایگاه دریایی بوشهر که یگان تکاور دارد و مختص خودش است خیلی به آموزش ما کمک کرد. یگان‌ها مأموریت انجام می‌دادند و ضعف‌ها و قوت‌ها معلوم می‌شد. دوستان شرح عملیات‌هایی که رفته بودند را می‌دادند و ما از همین صحبت‌ها در عملیات‌ها استفاده کردیم. حرف‌ها و توصیه‌های فرماندهان ارتش برایمان یک کلاس درس بود. سر کلاس ننشستیم و از چتر پایین نپریدیم و اصول و فنون کار را از همین صحبت‌ها آموختیم. وقتی با افرادی مانند شهید «غیور اصلی» و «کلاهدوز» در منطقه تردد می‌کردید، کلی اطلاعات می‌آموختید.

۰۶ از لحاظ زدن هلی‌کوپتر انجام هلی‌برد ریسک بالایی دارد. تمام یگان‌ها بهترین نیروها را فرستادند و ما هم همان سال ۵۹ برای آموزش هلی‌برد و خلبانی نیروهایمان را فرستادیم. انجام هلی‌برد به نیرو و منطقه بستگی داشت. اگر در بدر و خیبر با هلی‌برد قبل از رسیدن قوای اصلی دشمن نیروها وارد عمل می‌شدند نتایج بهتری می‌گرفتیم. در خیبر دو گردان نیروی ما پیاده عمل کرد. اگر با هلی‌کوپتر می‌رفتند زودتر و بهتر به نتیجه می‌رسیدند. تنها موفقیت ما در عملیات خیبر این است که از دشمن تلفات شدید و زیادی گرفتیم. در عملیات رمضان نیز به نظر می‌رسد به جای قوایی که تا کانال ماهی رفته بود باید از منطقه باز هلی‌برد می‌کردند و به پشت دشمن می‌رسیدند و دشمن را دور می‌زدند. ولی به نیروها دستور دادند که به عقب برگردند و برای الحاق فردا حمله کنند. اگر توان انجام هلی‌برد بود باید نیروهای ویژه هوابرد و تکاوران نیرو دریایی برای عملیات بدر هلی‌برد انجام می‌دادند. برای والفجر ۸ انجام می‌دادند که انجام نگرفت. البته ما از نظر امکانات هم در مضیقه بودیم و نباید گفت که داشتیم و انجام ندادیم.

یادمان

مروری کوتاه و گذرا بر تروریسم سیاه سازمان نفاق در سال‌های دفاع مقدس، در سالروز ترور اولین شهید محراب آیت‌الله مدنی

سازمانی با مأموریت ذاتی ترور و اشاعه تروریسم!

■ پویان شریعت

در دوران مبارزه و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام روح‌الله سازمان‌ها و گروه‌های مختلفی دست به مبارزه علیه رژیم پهلوی می‌زدند. نکته بسیار مهم و مسئله‌ای که مورد غفلت بعضی از عناصر جذب‌شده در این گروه‌ها و سازمان‌ها قرار گرفته میزان نقش سازمان‌های مذکور که مبارز نام داشتند در پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. حتی بعد از پیروزی رأی ۹۸درصدی ملت به جمهوری اسلامی نیز نتوانست چشم آنها را به واقعیات باز کند. چرا می‌گوییم نکته‌ای که مورد غفلت قرار گرفت؟ زیرا در سال ۱۳۵۰ ساواک توانست از طریق نفوذ به سازمان‌های مسلح که خود را غیر از نهضت امام می‌دانستند تقریباً تمام سران و کادرهای مهم

سازمان منافقین با ترور رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس دیوان عالی کشور، بمب‌گذاری در حزب جمهوری در دولت، به شهادت رساندن نمایندگان مجلس و... به دنبال فروپاشی نظام بود که در حقیقت اگر حتی یکی از این اتفاقاتِ برای یک انقلاب نوپا بیفتد، مطمئناً آن انقلاب دچار بحران شدیدی شده، حتی سرنگون می‌شود

و اثرگذار آن دو را دستگیر کند و به عبارتی تمام گروه‌ها از سازمان‌های به اصطلاح چپ‌مبارز که در رأس آنها سازمان چریک‌های فدائی خلق قرار داشت تا شاخه مسلحانه به اصطلاح مذهبی که سازمان مجاهدین خلق در محوریت آن بود نهایتاً در سال ۵۲ در دام ساواک افتاد و به عبارتی کار مسلحانه و مبارزه از طریق این سازمان‌ها یا بسیار محدود شد یا به کل از کار افتاد. به هر حال مسئله‌ای که در میان است، هدایت مبارزات علیه رژیم پهلوی و در نهایت پیروزی این مبارزات به دست حضرت امام و انقلابیون مذهبی بود. مسئله واضح و مبرهن اینکه به علت برعکس نشان‌دادن آن از سوی سران نفاق به فریب‌خوردگانشان، به سهم‌خواهی گروه‌ها و سازمان‌ها از انقلاب منجر و باعث شد یکی از این سازمان‌ها که وارد این فاز شد سازمان منافقین (مجاهدین خلق) باشد. سازمانی که از ابتدای پیروزی انقلاب رو در روی انقلاب ایستاد و به دنبال پیاده کردن افکار التقاطی خود بود و با نفوذ در سازمان‌ها و نهادهای انقلابی به دنبال پیاده کردن مقاصد شوم خود می‌گشت. با شروع مسائل و بحران‌های معروف به خلقی از بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ این سازمان به جای مبارزه با ضد انقلابیون خود در صف آنها و در کنار آنها قرار می‌گرفت؛ لذا هنگامی که سازمان منافقین (مجاهدین خلق) متوجه پی‌بردن امام و ملت به ماهیت کثیف و ضدانسانی خود شد و هنگامی که آخرین امید آنها یعنی بنی‌صدر به جرم جاسوسی از کشور فراری شد، برنامه و عملکرد تازه‌ای را در دستور کار خود قرار داد؛ به‌طوری که در اسناد به دست آمده و در صورتجلسه‌های کادر مرکزی عناوین ترورهایی را مشاهده می‌کنیم که نام ۱۷هزار قربانی و شهید برای انقلاب تا به امروز برجای گذاشته است.

■ **جنگ تحمیلی و جنگ داخلی**

«فاز مسلحانه و مهندسی» عنوان عملیاتی است که این سازمان در اردیبهشت سال ۶۰ برنامه‌ریزی و در ۳۰ خرداد همین سال همراه با عزل بنی‌صدر پیاده‌شدن آن را اعلام می‌کند. از ۳۰ خرداد ۶۰ در زمانی که کشور ایران و انقلاب درگیر بحرانی بزرگ به نام جنگ تحمیلی و تجاوز رژیم بعث به نمایندگی از غرب و مستکبران و عربده‌کشان تاریخ بود، سازمان منافقین رسماً وارد جنگ مسلحانه در داخل با انقلاب و نظام اسلامی ایران شد. به گفته پرویز یعقوبی یکی از اعضای کادر مرکزی سازمان و همچنین کتاب «برآیند ۳ سال جنگ مسلحانه» که توسط سازمان نفاق در سال ۶۲ ارائه و درون سازمان پخش شد و تقریباً بیشتر اطلاعات درون آن مربوط به جمع‌بندی‌ها و گزارشات موسی خیابانی نفر اول سازمان بعد از فرار رجوی از ایران و کادر مرکزی است، سازمان منافقین با شروع جنگ مسلحانه در داخل کشور، فقط در تهران ۳۱۵ خانه تیمی تدارک دیده و در آن تیم‌های عملیاتی آماده کرده بود، در این ۳۱۵ خانه تیمی شروع به انبارسازی مهمات و آموزش و تربیت نیروی تروریستی برای مقابله با مردم و نظام اسلامی پرداخت.

■ **سازمانی ذاتاً تروریست**

سازمان منافقین با ترور رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس دیوان عالی کشور، بمب‌گذاری در حزب جمهوری در دولت، به شهادت رساندن نمایندگان مجلس و... به دنبال فروپاشی نظام بود که در حقیقت اگر حتی یکی از این اتفاقات برای یک انقلاب نوپا بیفتد، مطمئناً آن انقلاب دچار بحران شدیدی شده، حتی سرنگون می‌شود. چندین محور در دستورکار فاز مسلحانه بود که یکی از آنها ترور و از بین بردن روحانیت و به خصوص بزرگان و علما بود که نقش و جایگاه بزرگی در بین مردم داشتند و بزرگ‌ترین پشتوانه برای انقلاب محسوب می‌شدند؛ به‌طوری که در این راه چهار شهید محراب که در ۲۰شهریورماه، سالروز شهادت اولین شهید محراب آیت‌الله مدنی است، ترور شدند و تعداد زیادی از روحانیون و علما نیز مورد ترور و سوءقصد قرار گرفتند که خوشبختانه برخی از آنها موفقیت‌آمیز نبود.

در روزگاری که کشور و انقلاب اسلامی و نظام اسلامی ایران انواع و اقسام تهمت‌ها را در زمینه تروریسم متحمل می‌شود، باید گفت کسانی که این تهمت‌ها را روانه انقلاب و نظام ایران می‌کنید، چرا امروز دستان خود را به سوی یکی از وحشی‌ترین سازمان‌های تروریستی دراز کرده و از منافقین حمایت می‌کنید؟ چرا سازمانی را با بیش از چند ده هزار ترور و آماری به عدد ۱۷هزار ترور که در کارنامه کثیف خود به جای گذاشته از لیست سازمان‌های تروریستی خارج می‌کنید؟ به هر حال جنگ مسلحانه، تروریسم و در نهایت اعزام به عراق و رو در رو جنگیدن با مردم و نظام اسلامی ایران فعالیت‌ها و تاریخ سیاه سازمان منافقین را تشکیل می‌دهد که به مناسبت سالروز شهادت اولین شهید محراب شهید آیت‌الله سیداسدالله مدنی یار صدیق امام روح‌الله یکی از علما و رهبران ملت انقلابی ایران نگاهی کوتاه و گذرا به آن داشتیم.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۴۳۳۹

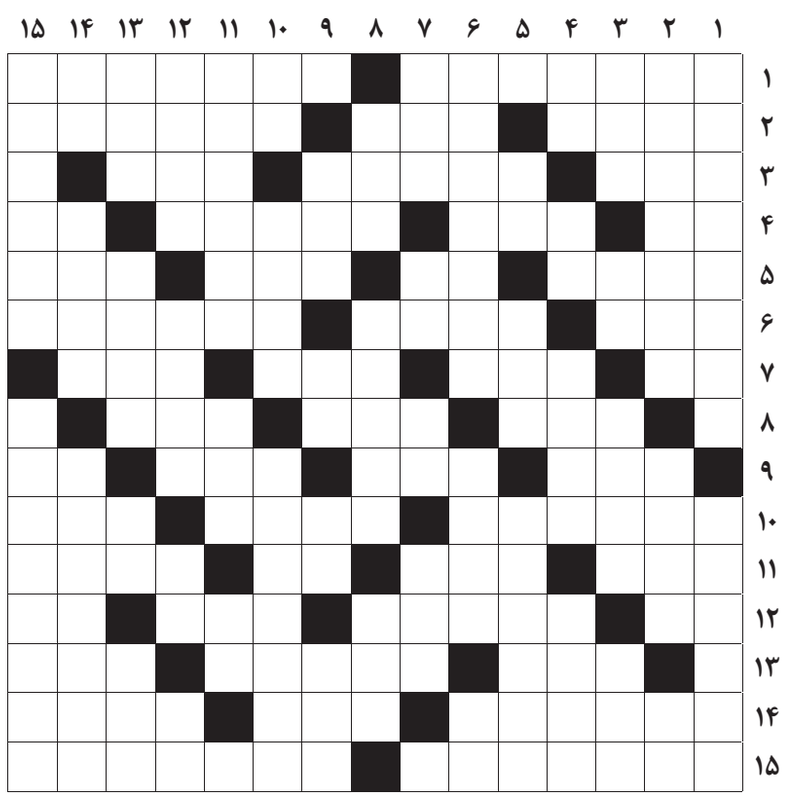

از راست به چپ

■ ۱- نام سابق همدان- هنرپیشه معروف فرانسوی ■ ۲- کنده کاری روی چوب- ساختمان بلند- آواز پرندگان ■ ۳- درخت کنار- نام پدر ضحاک- مظهر استواری در طبیعت ■ ۴- ضمیر مخاطب- حاجت خواستن از خدا- از شهرهای استان گیلان- آفت نباتی ■ ۵- دفینه و گنج در زیرزمین- یار غم- سطل آب- خبرگزاری سوییس ■ ۶- عقاب سیاه- علم و آگاهی- سزای کار بد کسی را دادن ■ ۷- از گروه‌های خونی- همکار ضرب- وقتی در عقرب باشد کاری نشاید- پیاز ■ ۸- انجیر عرب- شعبه‌ای از دین بودایی- چینه دیوار ■ ۹- مصب؛ شاخه‌ای از دریا- گلو- سگ بیمار- فلز رسانا ■ ۱۰- صنعت جهانگردی- شتر تندرو- جام ■ ۱۱- بلدرچین- امید و آرزو- تو و میان چیزی- پوشیده ■ ۱۲- عدد منفی- از شهرهای ترکیه- بها و قیمت- پوستین وارونه ■ ۱۳- صفت سرو- ملی‌پوش دورگه فوتبال ایران- بخشش ■ ۱۴- از شهرهای استان کرمانشاه- متضاد هیچ- خواب را لذت‌بخش می‌کند ■ ۱۵- شمالی‌ترین شهر استان خوزستان- خواستن... است

از بالا به پایین

■ ۱- پایتخت هلند- دشت‌های بی‌درخت شمال روسیه ■ ۲- تفحص و جست‌وجو- اجتماع میوه‌ها بر روی یک شاخه از درخت- تاکسی پرظرفیت ■ ۳- گربه‌سان تیزرو- پایه و بنیاد- افزایش مستمر و پایدار سطح عمومی قیمت- گراز ■ ۴- علامت جمع عربی- سدی در جنوب- رنگی از خانواده سفید- منسوب به آهن ■ ۵- حرف همراهی عرب- سیمان مسلح- بیماری مردم‌آزاری ■ ۶- پیامبر بت‌شکن- کاخی در اسپانیا- باران اندک ■ ۷- تنه درخت- واحد وزن سنتی- از نت‌های موسیقی- قسمتی از زندان ■ ۸- همسایه- گیجگاه- دریایی در ترکیه ■ ۹- بهره و فایده- زوبین- پهلوان- پیروان پیامبر ■ ۱۰- پافشاری در عناد و مخالفت- پول استرالیا- از رودهای مهم چین ■ ۱۱- از روسای جمهور آمریکا- درجه‌ای در رشته‌های رزمی- راه میان‌بر ■ ۱۲- عوامل تزیینی مانند نقاشی، وسیله و اثاث- اصل و نسب- مغز انسان- رود فرانسوی ■ ۱۳- قسمت عمیق دریا- مسجدی در بیت‌المقدس- نوعی زغال سنگ- دهل ■ ۱۴- او- آب روان- سفر اداری ■ ۱۵- کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران- نام خانوادگی زردشت

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۵		۹	۸					
۲			۹			۶		
						۳		۴
	۷						۵	
	۲			۹	۷		۶	
				۲				
						۵	۲	۳
				۶	۴	۸		
۸		۱						

جدول کلمات متقاطع
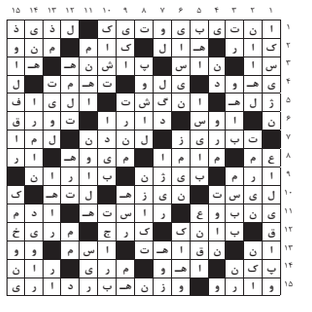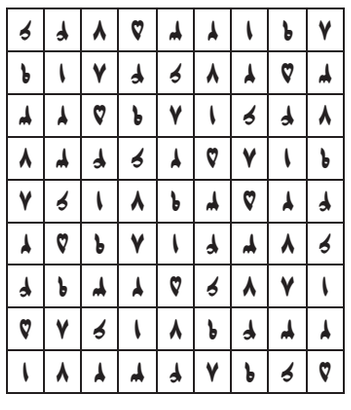
پاسخ جدول شماره ۴۳۳۸